

چاوشی: مردم اشتباه نمی گیرند، مطمئن باش



خیلی‌ها «متفاوت» حرف می‌زنند اما در عمل آدم‌های متفاوتی نیستند. بعد از پنج سال آشنایی و برخورد های گاه و بیگاه، تو را اینطوری شناختم که اگر چه اصلاً متفاوت حرف نمی‌زنی اما در عمل واقعاً متفاوت عمل می‌کنی. خیلی‌ها، در ماه‌ها یا یکی، دو سال اول ظهورشان زحمت زیادی کشیده‌اند تا به ما بفهمانند که نگاه خاصی دارند، اما دستشان «رو» شده! در خودت چه تفاوت‌هایی دیده‌ای؟

من هیچ وقت خودم را با خواننده دیگری مقایسه نکرده‌ام تا متوجه تفاوت‌ها بشوم! اما اگر بخواهم درباره خودم حرف بزنم، می‌توانم بگویم که من فقط به خاطر موسیقی، وارد موسیقی شدم و از روز اول به دنبال شهرت یا سایر مسائل حاشیه‌ای نبودم. هرگز نخواستم بگویم «من» هستم. از «منیت» متنفرم. دوست داشتم با کارهایم به مردم انرژی بدهم و محبوب بشوم.

خیلی از خواننده‌های دیگر هم با همین نیت وارد موسیقی شدند اما به مرور حاشیه روی آنها غلبه کرد و دچار تغییرات رفتاری شدند! احساس کردند می‌توان در موسیقی، از راه‌هایی جز موسیقی هم مطرح شد اما تو تغییری هم نداشته‌ای. هنوز دور از جریان‌ات حاشیه‌ای و بی‌سر و صدا هستی. نه اهل مصاحبه هستی، نه می‌توان عکس‌ها و اخبار جدیدی در موردت به دست آورد.

من ترجیح می‌دهم یک «چاه» بی‌نام و نشان که ۲۵۰ متر عمق دارد باشم، نه دریایی که عمق آن ۲۰

سانتیمتر است. در این پنج سال، از نظر خودم هیچ کار خاصی انجام ندادم ولی باز هم وقت کم آوردم. اصلاً بهتر است بگویم در این پنج سال فقط تجربه کردم. سعی کردم در ملودی سازی حرکت تازه‌ای داشته باشم. تلاشم این بود که با هر کاری مخاطبم را غافلگیر کنم اما او باز هم مرا بشناسد و قبول داشته باشد. از طرف دیگر روی صدایم به شدت کار کردم. سعی کردم از فضایی که به من نسبت می‌دادند، فاصله بگیرم .



در این سال‌ها موسیقی تنها حرفه‌ات بوده یا به کارهای دیگر هم گریز زده‌ای؟

فقط موسیقی. من زندگی‌ام را پای موسیقی گذاشتم. همیشه سعی کردم تلاش کنم تا به نقاط بالاتر برسم. تمام اطلاعاتم در مورد آدم‌های موفق به من ثابت کرد که آنها برای موفقیت سختی کشیده‌اند. به همین دلیل سعی کردم در اوج تنگنای زندگی که مسائل مالی قسمت مهمی از آنها بود، آدم «تمام وقت» موسیقی باشم و تمام مرارت‌ها را تحمل کنم. اینکه می‌گویم احساس می‌کنم هنوز کار خاصی انجام نداده‌ام، اصلاً تعارف یا تواضع نیست، نظر قلبی من است .

یکی از آسیب‌های بزرگ موسیقی پاپ که نمونه‌اش در موسیقی سنتی وجود ندارد، این است که حتی

بسیاری از خواننده‌های حرفه‌ای ما، این کار را به چشم «تفریح» نگاه می‌کنند.

به نظر من حرفه‌ای بودن با تفریح خیلی فرق می‌کند. شاید کاری که ما به صورت حرفه‌ای انجام

می‌دهیم، برای مردم حکم تفریح را داشته باشد اما برای خودمان نباید اینطور باشد.

حرفت کاملاً درست است اما من از اتفاقی که در حال رخ دادن است، گفتم و تو از آنچه «باید» باشد

حرف زدی! یک مسأله دیگر هم وجود دارد و آن اینکه گرچه اکثریت مردم، گوش دادن به موسیقی را «تفریح» می‌دانند اما به هر حال ما به مخاطب حرفه‌ای هم احتیاج داریم تا موسیقی‌مان پیشرفت کند . مگر نداریم؟!

داریم؟

بله، من خیلی‌ها را از دور یا نزدیک می‌شناسم که مخاطب حرفه‌ای موسیقی هستند. ما در تمام ریزه‌کاری‌هایی که در آهنگ‌هایمان انجام می‌دهیم، به فکر آنها هستیم .

مخاطب حرفه‌ای چه تعریفی از نظر تو دارد؟

کسی است که قدرت تشخیص دارد؛ در ترانه، در آهنگ، در تنظیم، در زیر و بم صدای خواننده، در میکس قطعات و خیلی فاکتورهای دیگر.

انصافاً از نظر تو به اندازه کافی مخاطب حرفه‌ای داریم؟

نه، اما تا دلت بخواهد «منتقد» داریم. منتقدهایی که نه در عرصه موسیقی کاری انجام داده‌اند و نه از نظر تئوری با آن آشنایی دارند!

به این جور آدم‌ها که نمی‌شود گفت منتقد!

اما حالا که اینجوری باب شده!

این منتقدهایی که تو می‌گویی، تریبون هم دارند؟

متأسفانه بله، هم در مطبوعات و هم در سایت‌ها جایگاه دارند .

مثل اینکه از دست آنها خیلی آزردده هستی!

برای خودم نمی‌گویم چون تکلیف من الان دیگر روشن است اما متأسفانه بعضی غرض‌ورزی‌ها باعث می‌شود خیلی از آدم‌های با استعداد پیشرفت نکنند. با عرض معذرت، حتی خود تو هم که از نظر من منتقد واقعی هستی، گهگاه در اتفاق نو با برخورد‌های شخصی‌ات به ضرر بعضی از آدم‌های شایسته عمل کرده‌ای و در پرداختن به بعضی‌های دیگر هم جور دیگری اشتباه داشته‌ای .

منگر حرف‌هایت نیستم اما اشتباه در کار مطبوعات، تا در صدی قابل پیش‌بینی و اغماض است. این

طبیعت شغلی ماست .

خیلی از مواقع درکت می‌کنم، اما بعضی وقت‌ها نمی‌توانم .

برویم سراغ «یه شاخه نیلوفر» اولین آلبوم رسمی محسن چاوشی. نظر کلی خودت درباره این آلبوم

بعد از گذشت حدود یک سال چیست؟

« یه شاخه نیلوفر » می‌توانست آلبوم خیلی بهتری باشد .

اشکالش کجا بود؟

اشکال اصلی این آلبوم بیشتر «فنی» است، البته اصلاً نمی‌خواهم بگویم من به عنوان آهنگساز یا خواننده ایرادی در کارم نداشته‌ام اما بزرگترین اشکال این آلبوم را در صدابرداری‌اش می‌دانم. ما در صدابرداری فقط دو، سه نفر را به عنوان مرجع کنار خودمان می‌بینیم. آنهایی که در صدابرداری مرجع هستند، معمولاً به دیگران چیزی یاد نمی‌دهند و طبیعی است کسی که به دیگران یاد ندهد، خودش هم چیز تازه‌ای یاد نخواهد گرفت. به همین دلیل کیفیت بسیاری از آلبوم‌ها در حد ایده‌آل نیست. در «یه شاخه نیلوفر» بافت آلبوم طوری بود که من روی صدابرداری محاسبه ویژه‌ای کرده بودم اما این محاسبات تقریباً به صورت کامل به هم ریخت.

واقعاً مهمترین ایراد «یه شاخه نیلوفر» را در وضعیت صدای آن می‌دانی؟

بله، وقتی صدای خوب به گوش مخاطب نرسد، در ذهن او «زدگی» ایجاد می‌شود.

ایرادهای دیگر این آلبوم چه بود؟

غمگین بودن تمام قطعات حالت یکنواختی به وجود می‌آورد. البته سبک من همیشه همین بوده اما تعداد زیاد قطعات این آلبوم باعث می‌شد مخاطب برای برخورد با آن کم بیاورد. باید انواع دیگری از موزیک‌ها را هم در این آلبوم قرار می‌دادم. می‌بینی چقدر خوب خودم را تخریب می‌کنم!

تو همیشه با غمی که در صدایت وجود داشته، شناخته شده‌ای. آلبوم «متاسفم» هم سراسر غم بود اما یک تفاوت بزرگ با «یه شاخه نیلوفر» داشت و آن هم اینکه همه عناصرش غمگین نبودند! در «متاسفم» شعرها و آهنگ‌ها و صدای تو غمگین بودند اما تنظیم‌ها انرژی می‌داد و مخاطب را به دنبال خودش می‌کشید.

بله، با حرفت موافقم و سعی کرده‌ام در آلبوم جدیدم این مسأله را هم تعدیل کنم اما در هر صورت من نمی‌توانم «غم» را از خودم جدا کنم!

حالا که اینقدر راحت از خودت انتقاد می‌کنی، در مورد نظرات دیگران هم درباره «یه شاخه نیلوفر» بگو. منظورم نظرات منفی است!

بیشترین انتقادها مربوط می‌شد به روزهای اول انتشار آلبوم. خیلی‌ها از فضای آلبوم جا خورده بودند...

چند درصد نظرات منفی بود؟

حدود پنجاه درصد اما به مرور تعداد موافق‌ها بیشتر شد. البته من هرگز سر خودم را کلاه نمی‌گذارم. «یه شاخه نیلوفر» برای من آلبوم ایده‌آلی نشد.

اما قبل از انتشارش به آن امید داشتی.

دقیقاً همین‌طور بود!

چه زمانی فهمیدی که ایده آل نیست؟

دو، سه ماه بعد از انتشارش. یک بدشانسی بزرگ هم داشتیم و آن هم این بود که «یه شاخه نیلوفر» اولین آلبوم مجاز من شد و بعضی دوستان گفتند چاوشی هم مثل خیلی از خواننده‌های دیگر، وقتی مجاز شد، افت کرد.

اینطوری نبود؟

نه! من کار خودم را می‌کردم. در آلبوم‌های غیر مجاز من هم هیچ سوءاستفاده‌ای وجود نداشت و «شریف» خواندم. من با تمام وجودم کارم را انجام دادم ولی متأسفانه «یه شاخه نیلوفر» مصادف شد با مجاز شدن آلبوم‌های من.

کانون انتقادهای از «یه شاخه نیلوفر» در اینترنت بود؟

بله، انتقادهای خیلی خوبی هم از من شد. مثلاً از بابک افشار و بابک ریاحی‌پور که هر دو موزیسین‌های فوق‌العاده‌ای هستند، در اینترنت دو انتقاد خیلی خوب به دستم رسید که انصافاً هر دو هم به دردم خورد.

مثل اینکه هنوز هم به اینترنت تعلق خاطر زیادی داری؟

بله، اینترنت و بچه‌های اینترنت همیشه از من حمایت کرده‌اند. به هر نقطه‌ای برسم، هرگز یادم نمی‌رود که از طریق اینترنت به موسیقی معرفی شدم. در زمان انتشار «یه شاخه نیلوفر» هم اغلب سایت‌ها و فعالان اینترنت همکاری خوبی با من داشتند، خصوصاً از این جهت که باعث شدند امکان دانلود آلبوم از بین برود.

در اینترنت، معمولاً به تو «بی‌احترامی» هم نمی‌شود. نه از جانب هنرمند‌های دیگر، نه از طرف

مردم.

دلیل اصلی‌اش لطف آنهاست و از طرف دیگر من هم کاری با کسی ندارم. متأسفانه این روزها اخبار خوبی درباره فضای موسیقی نمی‌شنوم. خیلی‌ها علیه یکدیگر حرف می‌زنند و این مسأله به ضرر موسیقی تمام می‌شود. وقتی ما درون خودمان مشکل داشته باشیم، چطور می‌توانیم مشکلات بیرونی را حل کنیم.

شاید تو به خاطر محبوبیت و مقبولیت بالایت، می‌توانستی بهترین گزینه برای جنجال آفرینی و نقد کردن و تخریب دیگران خصوصاً در این چند ماهه باشی. قطعاً اگر حرفی علیه دیگران بزنی، خیلی

خریدار پیدا می‌کند چون معمولاً اهل حرف زدن نیستی!

من اصلاً حقی برای خودم قائل نیستم که بخواهم درباره دیگران حرفی بزنم. همین که کار خودم را انجام دهم و سرم به کار خودم گرم باشد، کافی است. تا حالا زمینه‌های زیادی به وجود آمده که درگیری با دیگران را شروع کنم اما به دنبالش نرفته‌ام و چون به جرقه‌ای که علیه من زده شد،

عکس‌العملی نشان نداده‌ام، مسأله سر و صدا نکرده

...

اما همین چند هفته پیش یک بیانیه رسمی دادی که در آن پای فرزند فرزین و محسن یگانه وسط کشیده شد و از آنها بابت اجرای آهنگ «نفس بریده» که از ساخته‌های قدیمی‌ات بود، انتقاد کردی. به این دوستان قبلاً گفته بودم که این آهنگ را در کنسرت‌هایشان نخوانند چون امتیاز «نفس بریده» را واگذار کرده‌ام و برای من مسأله ساز می‌شود. از آنها خواسته‌ام برای اجرای «نفس بریده» لاقلاً با من یا شرکتی که امتیازش را به آن واگذار کرده‌ام، هماهنگ باشند.

دوباره برگردیم «یه شاخه نیلوفر». یکی از اشکالات این آلبوم تعداد قطعاتش بود. قطعه‌هایی که شبیه هم بودند!

برای اینکه پیش‌دستی کنم و زودت راز تو پرونده تخریب «یه شاخه نیلوفر» را ببندم، باید اعتراف کنم بله، تعداد قطعات به خاطر فضای مشابه آنها خیلی زیاد بود و جا داشت دو قطعه را «کم» کنیم! از طرف دیگر می‌شد قطعات را با سلیقه بهتری کنار هم قرار داد و الان از چیدمان آلبوم هم راضی نیستم.

اما در کنار تمام این انتقادها «یه شاخه نیلوفر» آلبومی بود که در آن محسن چاوشی، باز هم محسن چاوشی بود و مثل بعضی خواننده‌های دیگر رنگ عوض نکرد. در این پنج سال، فضای کارهای خیلی تغییر کرده اما خودت عوض نشده‌ای. خدا را شکر که بالاخره یک نکته مثبت پیدا کردی!

«یه شاخه نیلوفر» پارسال پرفروش‌ترین آلبوم پاپ ایران بود و تو هزاران طرفدار داری. این سؤال همیشه وجود دارد که چرا محسن چاوشی کنسرت نمی‌دهد. من تازه یک سال است مجوز گرفته‌ام و فقط دوازده قطعه مجاز دارم...

می‌توانستی در همین یک سال برای آهنگ‌های دیگر هم مجوز کنسرت بگیری. اما یک کار مهمتر هم داشته‌ام و آن هم سر و سامان دادن به سه آلبوم دیگری است که مقابل تهیه‌کنندگان آنها مسئول هستم.

در مورد این سه آلبوم، حرف می‌زنیم. فعلاً درباره کنسرت بگو. اول باید گروهم را انتخاب کنم. الان با دوست خوبم امید حجت درباره تکمیل گروه صحبت‌هایی داشته‌ام و همین‌طور با رضا تاج‌بخش و هومن غفاری. اتفاقی که من در کنسرت‌ها به دنبال آن هستم، به یک گروه توانا احتیاج دارد و به زمان بیشتری احتیاج دارم تا گروهم را انتخاب کنم.

مبادا این زمان آنقدر طولانی شود که وقتی گروهت آماده شد، دوران محسن چاوشی تمام شده باشد!

دوران من تازه شروع شده!

**فکر نمی‌کنی برای اجرای آهنگ‌ها به صورت زنده با مشکل مواجه شوی؟
اصلاً!**

تا حالا نشنیده‌ام که به تماشای کنسرتی رفته باشی. فکر نمی‌کنی باید بیشتر در محیط کنسرت‌ها حاضر باشی تا با حال و هوای آن آشنا شوی؟
در سال‌های خیلی دور به بعضی کنسرت‌ها رفته‌ام. در این سه، چهار سال هم یواشکی چند کنسرت را از نزدیک دیده‌ام!

یعنی هیچ‌کس نفهمید در سالن هستی؟
دو، سه بار حتی خواننده‌ها هم نفهمیدند کنسرت‌هایشان را دیده‌ام!

مگر خواننده‌ها دعوت نکردند؟
نه! خودم رفتم تا ببینم چه خبر است! به همین خاطر می‌توانم ادعا کنم که برای کنسرت اصلاً ناپخته نیستم. فکر می‌کنم فقط سی ثانیه التهاب داشته باشم که آن هم برای هر خواننده‌ای طبیعی است.

در کنسرت‌هایت ساز هم می‌زنی؟
نه، چون حواسم پرت می‌شود!

قبل از انتشار «یه شاخه نیلوفر» گفته می‌شد آلبومی با نام «من خود آن سیزدهم» را با صدایت خواهیم شنید. خیلی مشتاق بودیم این آلبوم را بشنویم. خصوصاً از این جهت که می‌خواستیم بدانیم چاوشی روی اشعار شاعرانی مثل مولانا چگونه ملودی‌های پاپ خواهد گذاشت. الان یک سال از انتشار «یه شاخه نیلوفر» گذشته و هنوز از «من خودم آن سیزدهم» خبری نیست...
امتیاز «من خود...» متعلق به شرکت آوای باربد است و نمی‌دانم چه زمانی منتشرش خواهند کرد. در این آلبوم ۴ شعر مولانا، دو شعر مرحوم شهریار و یک شعر از باباطاهر و وحشی بافقی را اجرا کرده‌ام و فکر می‌کنم با توجه به فضای «من خود...» باید در موردش بسترسازی شود. این آلبوم را با پیشنهاد حوزه هنری به مناسبت سال مولانا تولید کردیم. البته من قبل از آن به پیشنهاد امیر ارجمینی و حسین صفا روی یکی از اشعار مولانا آهنگ ساخته بودم و بعد از این پیشنهاد سه شعر دیگر از مولانا را هم ساختم...

اشعار مولانا، باباطاهر، وحشی بافقی و شهریار را چه کسی انتخاب کرد؟
همه کارها را خودم انتخاب کردم. هدفم این بود که چهار قطعه از مولانا بخوانم و چهار قطعه از شعرای دیگر. دیوان باباطاهر و وحشی بافقی را در خانه داشتم و همین‌طور یک کتاب ناقص از غزلیات مولانا را. اما دیوان شهریار را همان روزها خریدم. سراغ شعرای دیگر هم رفتم اما با سروده‌هایشان به نتیجه نرسیدم.

تمام آثار مولانا، شهریار، وحشی بافقی و باباطاهر را خواندی؟

تقریباً بله! حدود یک ماه زمان برد. شعرهایی که فکر می‌کردم می‌توان روی آن ملودی پاپ گذاشت را علامت زدم. اول در مورد مولانا به نتیجه رسیدم و سپس دو قطعه از شهریار را انتخاب کردم. یکی از کارهایی که روی شعر استاد شهریار ساختم را فوق‌العاده دوست دارم و فکر نمی‌کنم در آینده بتوانم مشابه آن را تولید کنم. از زمانی که اشعار آنها را خواندم، تا یکی، دو ماه هیچ ترانه‌ای برایم جذاب نبود! مرحله انتخاب شعر برای آلبوم «من خودم...» یکی از مقاطع غیر قابل پیش‌بینی در زندگی من بود...

برای ایجاد ارتباط با معنای اشعار مشکلی نداشتی؟

سعی کردم به سراغ اشعار ساده بروم. البته خوشبختانه در کتاب اشعار این چهار نفر، معنای بعضی عبارات و کلمات هم مقابل شعرها چاپ شده بود. مثلاً من اصلاً نمی‌دانستم «قراضه چین» که مولانا از آن استفاده کرده، یعنی چه!

یعنی چه؟

«قراضه چین» یعنی تراشه‌های طلا که به زمین می‌ریزد.

شعری که «قراضه چین» داشت را در آلبوم خوانده‌ای؟

بله!

امید داری که «من خودم...» روزی منتشر شود؟

بله، دوست دارم این اتفاق بیفتد البته اگر تهیه‌کننده چنین تصمیمی داشته باشد باید تنظیم‌ها را عوض کنیم. چون این آلبوم فقط در سه ماه تولید شد و از آن روزها زمان زیادی گذشته است.

از بین «من خودم...» و «یه شاخه نیلوفر» کدامشان با سلیقه خودت بیشتر سازگار است؟

من آلبوم جدیدم را که فعلاً اسمی ندارد، بیشتر از آنها دوست دارم!

راستی زمانی هم گفته شد که یک آلبوم دیگر با قطعات فیلم «سنتوری» و چند قطعه دیگر هم منتشر

می‌شود. آن خبر واقعیت داشت؟

بله، این آلبوم مجموعاً شش قطعه دارد: چهار قطعه از فیلم «سنتوری» به اضافه دو قطعه دیگر از کارهای قبلی‌ام. امتیازش را هم به آقای آزادی واگذار کرده‌ام و دقیقاً نمی‌دانم مجوز گرفته یا نه.

تنظیم‌ها با فیلم «سنتوری» تفاوت دارند؟

اگر قرار باشد آلبوم منتشر شود، احتمالاً تغییراتی خواهیم داشت.

اجازه هست در مورد آلبوم جدیدت حرف بزیم یا همه چیز «سگرت» است؟

نه حرف بزیم!

چند قطعه دارد؟

یازده تراکت .

تمام قطعات را بعد از «یه شاخه نیلوفر» ساخته‌ای؟

جز یک قطعه که قبل از «یه شاخه نیلوفر» ساخته شد و حالا تنظیم آن را عوض کرده‌ایم، تمام قطعات جدید هستند. این آلبوم برخلاف «یه شاخه نیلوفر» به شدت تنوع ریتم و فضا دارد. سعی کردم از تمام تجربه‌هایم در این سال‌ها استفاده کنم و با خودم تعارف نداشته باشم. به همین دلیل حتی لازم دانستم که دو آهنگ «شیش و هشت» در آلبوم جدیدم داشته باشم .

نقش محمدرضا آهاری در این آلبوم چقدر است؟

محمدرضا دوست خوب من است و در آلبوم جدید هم تنظیم تعدادی از قطعات را انجام داده است.

اغلب ترانه‌ها را هم که احتمالاً امیر ارجینی و حسین صفا گفته‌اند .

بله .

برای خیلی‌ها سؤال است که چرا چاوشی و ارجینی و صفا فقط با هم کار می‌کنند و وقتی کنار

یکدیگر هستند، خوب نتیجه می‌گیرند .

خیلی از خواننده‌ها خواسته‌اند با امیر و حسین همکاری کنند اما برایشان ارتباط برقرار کردن با آنها سخت بوده! خوشبختانه امیر و حسین در چند ماه گذشته فعال‌تر شده‌اند و مطمئن هستم که در آلبوم خواننده‌های دیگر هم حضور موفقی خواهند داشت. از طرف دیگر من برای آلبوم جدیدم از ترانه‌های دیگران هم استفاده کرده‌ام .

در راستای همان نوع؟

بله، در کتاب «بانو» که شامل سروده‌های کیکاووس یاکیده است، یک شعر متفاوت را دیدم و اجرایش کرده‌ام. علی مهرگان هم دیگر ترانه‌سرای است که در این آلبوم به ما ملحق شده، جسارت کرده‌ام و یک ترانه را هم خودم گفته‌ام. امیر و حسین هم با پنج و سه قطعه در این آلبوم حضور دارند .

آلبوم‌هایی که در ماه‌های اخیر منتشر شده‌اند را شنیده‌ای؟

بله، تقریباً تمام آلبوم‌ها را شنیده‌ام. به نظر من آلبوم‌های خوبی بیرون آمده‌اند اما استقبال از آنها چندان خوب نبوده است .

کدام آلبوم بیشتر به دلت نشست؟

همه آلبوم‌ها را دوست داشتم. هم ترانه‌ها، هم آهنگ‌ها و هم صدای خواننده‌ها خوب بودند .

مثل اینکه قسم خورده‌ای اسم هیچ خواننده‌ای را نگویی!

نه اصلاً اینطور نیست. آلبوم‌های احسان خواجه‌امیری، سیروان، بنیامین، سعید شروز و امین رستمی

را دوست دارم .

آلبوم‌ها را خودت می‌خری؟

اگر از خانه بیرون بروم، آلبوم‌ها را در اولین فرصت می‌خرم .

مثلاً آلبوم بنیامین را همان روزی که منتشر شد، خریدی؟

نه، فکر می‌کنم چند روز بعد. یادم هست که آلبوم بنیامین و سیروان را با هم خریدم .

تا حالا پیش آمده که از فضای آلبوم‌های خوانندگان دیگر تأثیر بگیری یا فقط در مسیر خودت حرکت می‌کنی؟

من کار خودم را می‌کنم اما از کارهای دیگران هم تأثیر می‌گیرم. خیلی از مواقع پیش آمده که با گوش دادن به آلبوم‌های دیگران نکات تازه‌ای یاد گرفته‌ام .

خیلی از اطرافیان که از سال‌های گذشته تو را می‌شناختند، تصور نمی‌کردند که محسن چاوشی به این زودی‌ها ازدواج کند... چرا؟

به خاطر اینکه همیشه «تنهایی» را به همه چیز ترجیح می‌دادی و فوق‌العاده گوشه‌گیر بودی!

الان که به گذشته برمی‌گردم، گاهی اوقات به این نتیجه می‌رسم که نباید تمام زندگی‌ام را صرف موزیک می‌کردم. به هر حال خواسته‌های من در موسیقی، هزینه‌ای داشت که باید پرداختش می‌کردم و حالا بسیار خوشحالم که اتفاقی به نام «ازدواج» در زندگی‌ام افتاده و زندگی مشترک را بدون آن که در کارم تأثیر منفی بگذارد، آغاز کرده‌ام. همسرم اولین و تنها گزینه من برای ازدواج بود. ما سه سال پیش آشنا شدیم و نوروز امسال ازدواج کردیم. او نسبت به حرفه من درک کامل دارد و نه تنها مانع فعالیت من نیست بلکه کمک هم می‌کند تا پیشرفت کنم. بعد از ازدواج حسم عوض نشد. همسرم هم موسیقی را می‌شناسد و هم شنونده خوبی برای کارهای من است .

در آلبوم جدیدت رد پای او هم دیده می‌شود؟

یک قطعه «مخصوص» دارم که اگر الان در موردش توضیح بدهم، مزه‌اش را از دست می‌دهد اما همین قدر بگویم که در آلبوم جدیدم حرکتی کرده‌ام که شاید از من بعید باشد! در آلبوم جدیدم، انرژی حضور همسرم را کاملاً احساس می‌کنم .

هنوز هم مثل زمانی که مجرد بودی، اغلب ساعات روز در خانه هستی و آهنگ می‌سازی؟

بله، الان انگیزه‌ام برای کار کردن در خانه خیلی هم بیشتر شده، خانواده می‌تواند به پیشرفت هر هنرمندی کمک کند. همسرم مرا بیشتر از همیشه اجتماعی کرده، بیشتر از همیشه به مسافرت می‌رویم اما اگر در تهران باشیم، ترجیح می‌دهم در خانه باشیم .

مقصد سفرها، خارج است؟

نه، هنوز در ایران جاهای خیلی زیبایی هست که حداقل برای من ناشناخته هستند .
یکی از انتقاداتی که گروهی از هواداران مطرح می‌کنند، این است که تو خیلی بیش از اندازه در دسترس آنها نیستی. بالاخره طرفداران یک هنرمند از او توقعاتی دارند. با خواننده‌هایی که در خارج از کشور زندگی می‌کنند، راحت‌تر می‌توان ارتباط برقرار کرد تا تو! این همه دوری از مردم هم چندان قشنگ نیست، خصوصاً وقتی امکان دیدن تو در کنسرت‌ها هم وجود ندارد.
حرف شما درست است. قطعاً بعد از این بیشتر به مردم نزدیک می‌شوم. الان قسمت عمده‌ای از ایمیل‌هایی که به دستم می‌رسد را جواب می‌دهم. قبول دارم که کوتاهی‌هایی شده اما تلاش می‌کنم که خصوصاً در ایام کنسرت بیشتر با مردم ارتباط بگیرم .

اگر خودت را جای یکی از هواداران بگذاری، فکر می‌کنی به آنها حق بدهی؟
تصورم این بود که هر چه دیده نشوم، بهتر است اما فکر می‌کنم برای از این به بعد باید فکر تازه‌ای بکنم!

البته این همه دوری از مردم جنبه‌های مثبتی هم دارد. مثلاً همان طور که گفتی، یواشکی به کنسرت‌ها می‌روی و شناخته نمی‌شوی. فکر می‌کنم در خیابان هم خیلی زیر ذره‌بین نباشی!
بله، خدا را شکر معمولاً راحت در خیابان‌ها می‌چرخم. البته تازگی‌ها تعداد کسانی که گاهی اوقات مرا می‌شناسند، بیشتر شده !

شاید علتش این باشد که به عکس‌هایت بیشتر شبیه شده‌ای !

شاید!!

در مورد خواننده‌ها که چندان اظهار نظر نکردی. با توجه به سابقه حضورت در سینما با فیلم «سنتوری» لطفاً به چند سؤال سینمایی جواب بده. از داریوش مهرجویی چه خبر؟
کاملاً از ایشان بی‌خبرم .

یعنی ارتباط تو با مهرجویی، کاملاً اداری و خشک بود و فقط به همان زمان که ترانه‌های «سنتوری» را خواندی، محدود شد؟

بله، البته همکاری با ایشان مایه افتخار من بود. فکر نمی‌کنم در سینما، اتفاقی بهتر از « سنتوری» برایم رخ بدهد. به همین دلیل چند پیشنهاد جدید را رد کردم. چون نمی‌خواستیم «عقب‌گرد» داشته باشیم .

گویا یکی از پیشنهادهایی که رد کردی هم مربوط می‌شد به فیلمی که توسط یک کارگردان خانم ساخته شد و او از تو خواسته بود برای تیتراژ پایانی فیلمش یک ترانه بخوانی!
بله، من هم خیلی سریع عذرخواهی کردم!

از بهرام رادان چه خبر؟

با هم ارتباط داریم و گهگاه حال و احوال می‌کنیم .

آخرین تماس‌تان کی برقرار شد؟

حدود بیست روز پیش. روز تولدم هم قرار بود همدیگر را ببینیم که متأسفانه گرفتار یک فیلم سینمایی شد و نتوانست به منزل ما بیاید اما پژمان بازغی افتخار داد و آمد. حالا که در مورد بازیگرها حرف می‌زنیم، اجازه بده بگویم که حامد بهداد را خیلی دوست دارم. گرچه هنوز او را ندیده‌ام اما به نظر من بازیگر بی‌نظیری است. کامبیز دیرباز را هم واقعاً دوست دارم و خوشحالم که با او ارتباط دارم .

برای دیدن فیلم‌ها به سینما می‌روی؟

بیشتر صبر می‌کنم تا سی‌دی فیلم‌ها منتشر شوند و در خانه تماشايشان کنم! اخیراً «سوپراستار» و «اخراجی‌ها-۲» را دیدم .

آخرین فیلمی که در سینما دیدی؟

فکر می‌کنم «چارچنگولی». «راستی، فیلمی که جواد رضویان آهنگ مرا در آن خوانده بود را هم در سینما دیدم. اسمش یادم رفت .

دلداده؟

بله، فیلم خوب و گرمی بود .

برای استفاده از آهنگ‌های «عروس‌قصه» و «نامادری» در این فیلم از تو اجازه گرفتند؟

نه!

ناراحت شدی؟

نه!

از اینکه صدای بعضی خواننده‌ها در سال‌های اخیر به شدت شبیه صدای تو شده (!! ناراحت نیستی؟ نه، هر کسی می‌تواند هر جوری که دوست دارد، بخواند!

حتی اگر مردم، صدای این خواننده‌ها را با صدای تو اشتباه بگیرند و کارهایشان را به حساب تو

بنویسند هم ناراحت نمی‌شوی؟

مردم اشتباه نمی‌گیرند، مطمئن باش!



www.mchavoshifans.com

www.mohsenchavoshi.ws

منبع سایت اتفاق نو